

با عملکرد دولت احمدی نژاد،

اقتصاد کشور به کدام سمت می رود؟!

راه، که در سازمان متبوع وی به تصویب رسیده، بر شمرده که به طور کلی شامل، کارکرد اصول بازار آزاد، آزاد سازی دستگاه های اجرایی (به معنای استقلال آنها از انحصار دولتی) و تامین نهادهای مورد نیاز خود به شیوه رقابتی، می شوند. رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی دولت احمدی نژاد در توضیح این بودجه

سه ماه پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، و در نتیجه سیاست های اتخاذ شده بحران اقتصادی و گسترش آن در ابعادی بی سابقه به چالش بزرگی بدل شده است. فرهاد رهبر رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی طی مصاحبه ای که روزنامه دنیای اقتصاد به تاریخ دوشنبه ۹ آبان ماه سال جاری آن را منعکس کرد، خیر از تغییرات وسیع در عرصه های گوناگون اقتصادی داد. وی از جمله شش مشخصه بودجه ریزی نوین در کشور

ادامه در صفحه ۲



شماره ۷۲۵، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۷ آبان ماه ۱۳۸۴

انقلاب اکتبر و تأثیرات ژرف آن در تاریخ و زندگی بشریت در صفحات ۴ و ۵

نگاهی به هجدهمین اجلاس بررسی مسایل حقوقی دریای خزر

در اواسط مهر ماه سال جاری، هجدهمین نشست گروه کاری ویژه پنج کشور ساحلی دریای خزر در شهر باکو برگزار شد. مهمترین مسأله مورد بحث این اجلاس نوبیتی، بررسی و تکمیل برخی مفاد پیش نویس کنوانسیون رژیم حقوقی بزرگترین دریاچه جهان بود. خلف اف، معاون اول وزیر خارجه دولت باکو، در مراسم افتتاح این نشست یادآوری کرد: «تامین حقوق حقه کشورهای ساحلی دریای خزر در شرایطی که توجه جهان به این منطقه افزایش یافته، از اهمیت بسیاری برخوردار است.»

پیش از برگزاری این نشست، مهدی صفری، نماینده ویژه جمهوری اسلامی در امور دریای خزر، به جمهوری آذربایجان سفر کرد و چندین دیدار با مقامات دولت باکو و از جمله الهام علی اف رییس جمهوری آن انجام داد. نماینده ویژه ایران در این دیدار پیام مهم مسئولان بلند پایه رژیم ولایت فقیه درباره پیشنهاد های مربوط به توافق نامه

ادامه در صفحه ۳

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در رابطه با پی آمدهای خطرناک اظهارات محمود احمدی نژاد

تنش آفرینی و سیاست های ماجراجویانه ارتجاع آب به آسیاب دخالت امپریالیسم در ایران می ریزد!

برای سیاست های آمریکا بر ضد ایران دانست و دولت ایران را به دفاع از تروریسم بین المللی متهم کرد. روشن است که موضع گیری های احمدی نژاد و شمار دیگری از افراد دولت او بی شک می تواند ایران را بیش از پیش به انزوای بین المللی کشانده و استقلال کشور را با خطرات جدی تری روبه رو سازد.

حزب توده ایران در ماه های اخیر و خصوصاً در تحلیل حوادث کشور پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، که با تقلبات بی سابقه انتخاباتی توانست به این مقام برسد، همواره پیرامون برنامه های داخلی و خارجی ارتجاع هشدار داده و اظهار نگرانی کرده است. به گمان ما با توجه به مشکلات عظیمی که دولت جدید پیش رو دارد و با علم به اینکه قادر نیست قول های انتخاباتی خود را در زمینه بهبود وضعیت توده های انبوه محرومان و زحمتکشانش تحقق ببخشد و در عین حال برای زمینه سازی تشدید جو سرکوب و خفقان بر ضد دگراندیشان و نیروهای اصلاح طلب سیاست های ماجراجویانه کنونی را برای منحرف کردن افکار عمومی و همچنین تحت فشار قرار دادن نیروهای مخالف اتخاذ کرده است. روشن

ادامه در صفحه ۶

اظهارات شدیداً غیر مسئولانه محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری رژیم ولایت فقیه، روز چهارشنبه ۴ آبان ماه، درباره «محو اسرائیل از نقشه جهان»، میهن ما را بار دیگر با بحران سیاسی جدیدی روبرو کرده است. حزب توده ایران همراه با همه نیروهای مترقی و دموکرات ایران و جهان این موضع گیری نابخردانه را محکوم می کند. ابعاد محکومیت جهانی ایران، در چند روز گذشته، آنچنان بوده است که شماری از سخنگویان رژیم در تلاشند تا این اظهار نظرها را تکرار مواضع گذشته و کم اهمیت جلوه دهند ولی آنچه روشن است این است که این اظهارات نقض روشن ترین روابط سیاسی متعارف در سطح جهان است و به همین دلیل همانگونه که قابل پیش بینی بود ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در اتحادیه اروپا با بهره گیری از این موضع گیری، کارزار بین المللی همه جانبه ای را بر ضد ایران سازمان دهی کرده که اولین ثمرات آن محکومیت یکپارچه رئیس جمهوری ارتجاع در شورای امنیت سازمان ملل و همچنین توسط اتحادیه اروپا بود. تونی بلر، نخست وزیر انگلستان، که ریاست دوره ای اتحادیه اروپا را به عهده دارد، در سخنانی برای اولین بار احتمال اقدام نظامی بر ضد ایران را مطرح کرد و کوندولیزا رایس نیز موضع گیری ایران را توجیه روشنی

ارتجاع همچنان بر طبل بحران آفرینی می کوبد در ص ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه با عملکرد دولت احمدی نژاد...

نویسی نوین تاکید کرد که هدف تامین امنیت سرمایه و حمایت از خصوصی سازی است. در عین حال این مقام مسئول با صراحت اعلام داشت هرگونه شایعه در باره ممنوعیت واردات کالا به داخل کشور بی اساس است.

پیش از این و طی هفته های اخیر تبلیغات پر سرو صدایی از سوی ارتجاع در خصوص ممنوعیت واردات از کشورهایی که به قطعنامه شورای حکام انرژی هسته ای رای مثبت دادند، به راه افتاد و شایع گردید، واردات از انگلستان و کره جنوبی کاهش و محدود خواهد شد. البته همه این خبرها جز مانورهای دروغین برای سرپوش گذاردن بر واقعیت های موجود، چیزی دیگری نیست. در این رابطه آمار اخیر روابط عمومی گمرک ایران گواه دروغ پردازی های رژیم است. خبرگزاری فارس، در تاریخ ۲۰ مهرماه امسال، از قول واحد اطلاعات اکونومیست گزارش داد: «واردات کالا و خدمات در ایران امسال از مرز ۴۲ میلیارد دلار خواهد گذشت». این خبرگزاری در ادامه خبر خود اضافه می کند: «ایران در خصوص تجارت غیر کالایی در سال جاری میلادی با کسری ۴۷ میلیارد دلاری مواجه خواهد شد و علت آن نیز افزایش واردات خدمات عنوان شده است.» همچنین روزنامه دنیای اقتصاد، در تاریخ ۱۴ مهرماه، گزارش روابط عمومی گمرک ایران را انتشار داد که در آن از جمله قید شده است: «در نیمه نخست سال جاری واردات ۴۵ برابر صادرات است... ۱۶ میلیون و ۳۰۶ هزار تن کالای مورد نیاز کشور به ارزش ۱۸ میلیارد و ۳۳۲ میلیون دلار در شش ماهه اول امسال وارد شد که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به لحاظ وزن ۱۲۸ و از حیث ارزش ۱۵۶ درصد افزایش داشت. در این مدت قیمت متوسط هر تن کالای وارداتی حدود ۱۱۳۴۲ دلار بود که نسبت به مدت مشابه پارسال حدود ۲۵ درصد رشد نشان می دهد.» مطابق آمار روابط عمومی گمرک در مقابل این حجم عظیم واردات، مجموع صادرات ایران در همین دوره ۹ میلیون و ۹۸۸ هزار تن کالای غیر نفتی به ارزش ۳ میلیارد و ۹۲۰ میلیون دلار به خارج از کشور صادر شد. متوسط قیمت هر تن کالای صادراتی در شش ماهه امسال حدود ۳۹۲۵ دلار بود که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۱ درصد کاهش نشان می دهد.»

به این وضعیت دردناک باید سقوط بنیه تولیدی، ورشکستگی کارخانه ها و گسترش فساد مالی در ابعاد بی سابقه را افزود، چندی پیش سازمان بنادر و کشتیرانی ایران که بر اساس قانون نظارت بر وضعیت اسکله های کشور را بر عهده دارد، تعداد کل اسکله های فعال سراسر کشور را ۲۱۲ اسکله اعلام کرد. در همین گزارش اعلام شد که از این تعداد فقط ۶۱ اسکله دارای مجوز قانونی هستند. این بدان معناست که تعداد ۱۵۱ اسکله در سراسر ایران فعال هستند که دارای مجوز قانونی نبوده و هیچ نظارتی بر آنها اعمال نمی شود. همین اسکله ها که بوسیله سپاه پاسداران و چند بنیاد انگلی اداره می شوند، در واردات کالا به کشور نقش اصلی را ایفا می کنند، بیش از ۷۰ درصد کالاهای قاچاق که در حدود ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است، از این طریق به بازار داخلی سرازیر می گردد. علاوه بر این یکی دیگر از پیامدهای سمت گیری اقتصادی اجتماعی کنونی که عملکرد دولت جدید ویژگی به مراتب مخرب تری بدان بخشیده افزایش سرسام آور نرخ تورم است. به گزارش خبرگزاری ایسنا، به تاریخ ۱۵ مهرماه، امسال گروهی از اقتصاد دانان برآورد کرده اند میزان نرخ تورم در سال جاری از مرز ۲۰ درصد خواهد گذشت. در این خصوص یکی از کارشناسان اعلام کرد: «نرخ های تورمی که بطور رسمی از سوی مراجع مربوطه اعلام می شود واقعی نیستند. مطالعات و

پژوهش ها نشان می دهد قدرت خرید کارکنان با درآمد ثابت در سال های ۸۱-۸۳ به ترتیب ۶۰، ۴۰، ۳۵ درصد کاهش یافته است... اگر این وضعیت ادامه یابد اثر تکاثری افزایش قیمت ها تا پایان سال ۵۰ تا ۶۰ در صد و نرخ تورم پنهان به ۴۰ تا ۵۰ درصد می رسد.»

دولت جدید در راستای ادامه سیاست های مخرب گذشته که چیزی جز اجرای دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیست، آزاد سازی تجاری و ایجاد فضای رقابتی به منظور جلب و جذب سرمایه خارجی را در دستور کار دارد. بر اساس برخی گزارش های منتشر شده در این زمینه حذف یارانه های حمایتی تحت عنوان آزاد سازی قیمت ها بزودی به مرحله عمل در خواهد آمد. وزیر اقتصاد دولت احمدی نژاد اعلام کرد: «قیمت کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم از سید حمایتی خارج و از سال آینده آزاد می شود.» تاکنون دولت و مجلس ارتجاع از آزاد شدن قیمت نان، بنزین و سیمان خبر داده اند و رییس سازمان هواپیمایی کشور نیز خواستار افزایش ۳۰ درصدی بلیت هواپیما شده است، این اقدامات بی شک به معنای گرانی و کاهش باز هم بیشتر قدرت خرید کارگران، زحمتکشان و قشرهای میانه حال است. این کاهش قدرت خرید و افزایش تورم، در کنار رشد پر شتاب نقدینگی صورت می گیرد. معاون اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی در ۱۸ مهرماه به خبرنگار خبرگزاری ایلنا در خصوص اقدامات مجلس و دولت احمدی نژاد که سیستم مالی کشور را با بحران مواجه ساخته با صراحت خاطر نشان کرد: «فقر پیامد این اوضاع اسف بار است.» خبرگزاری ایسنا، در تاریخ ۱۶ مهرماه، در گزارشی نوشت: «فقر در جامعه ایران با توجه به افزایش جمعیت گسترده تر شده است، به طور مثال متوسط درآمد یک خانوار شهری ۲ میلیون و ۱۸۹ هزار ریال، کمتر از متوسط هزینه و متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی ۲ میلیون و ۱۹ هزار ریال، کمتر از متوسط هزینه ها بود.» در همین گزارش سپس افزوده می شود: «خانوارهای کم درآمد به دلیل فقر و نابرابری و کاهش قدرت خرید و برای تامین حداقل کالری مورد نیاز خود، مواد گران قیمت مانند گوشت، شیر ماست، تخم مرغ و برنج را از سبد غذایی خانوار کاهش داده و در مقابل مواد ارزان تر مانند نشاسته روغن و یا مواد قندی را برای تامین کالری مورد نیاز خود جایگزین کردند.»

بر اساس آمار ارائه شده در همین گزارش، که منبع آن انستیتو تغذیه ایران است، اعلام می شود: «در ایران در مقایسه با سایر کشورهای دیگر مشابه، مصرف گوشت، شیر و پروتئین ها به نحوی محسوس کاهش یافته است، مصرف گوشت قرمز از ۳۰۳ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۲۰ درصد... و شیر و فرآورده های شیری از ۱۲ درصد به ۹ درصد در میان خانوارهای ایرانی کاهش یافته است.» این سیاست ها همچنین سبب ژرفش بازهم بیشتر نابرابری اجتماعی و گسترش فقر در کشور شده است، بر پایه آمار ارائه شده از سوی مدیر کل سلامت و تامین اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور که در اواخر مهرماه انتشار یافت: «از حدود ۱۶ میلیون خانوار ایرانی، حدود ۱۵ درصد خانوارها تحت پوشش نهادهای حمایتی دولتی قرار دارند که از این میان ۳ تا ۵ درصد از فقر شدید و گرسنگی رنج می برند.» دولت احمدی نژاد در این زمینه بر خلاف وعده های پوچ دوران انتخابات ریاست جمهوری در جهت منافع تجار عمده و دلالان بزرگ عمل می کند و با اقدامات خود بی شک به رشد بیش از پیش فقر و محرومیت منجر خواهد شد. در این زمینه مجله اکونومیست چندی پیش در مقاله ای با اشاره به شعارهای انتخاباتی احمدی نژاد نوشت: «اگر چه احمدی نژاد با شعار دولتی کردن اقتصاد وارد کارزار انتخاباتی شد اما وزیر اقتصاد وی بر خصوصی کردن بیشتر تاکید کرده است.»

در حال حاضر با افزایش در آمد حاصل از فروش نفت، با حمایت مستقیم دولت احمدی نژاد، کلان سرمایه داری ایران به ویژه سرمایه داری تجاری

ادامه با عملکرد دولت

بیشترین سود را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که بخش وسیعی از جمعیت کشور از فقر و محرومیت شدید رنج می‌برند. پایگاه خبری آفتاب در تاریخ ۲ آبان ماه گزارش جلسه ماهیانه کانون کارفرمایان صنعتی ایران را انتشار داد که در آن این لایه از سرمایه داری ایران نارضایتی عمیق خود را از سیاست های دولت جدید ابراز کرده است. سخنگوی این تشکل کارفرمایی اعلام کرد: «اقتصاد ایران در شرایط رکود قرار گرفته و کشور ما نتوانسته است از فرصت های افزایش قیمت نفت استفاده لازم را ببرد.» وی سپس با ذکر آمار مشخص افزود: «در سه سال اخیر رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه کاهش یافته فقط در سال کنونی به ویژه این سه ماه آخر رقم کاهش چشمگیر بوده است...»

تداوم وضع کنونی به زیان صنعت کشور است، با توجه به شاخص های متعدد اقتصادی، شرایط رکود بر صنایع کشور حاکم شده است.» در کنار این رکود و همراه با آن، اشاره به افت و کاهش جدی شاخص بورس ضرور است، در ۹ آبان ماه خبرگزاری ها اعلام داشتند که نگرانی ها در باره سقوط شاخص کل بورس به واقعیت پیوست. به گزارش ایسنا این افت شدید باعث نابودی سرمایه گذاران و سهام داران متوسط گردیده است در حالی که عده ای بورس باز و دلال سودهای نجومی به جیب زده اند. طی سه ماه که از آغاز فعالیت دولت جدید می گذرد حجم خروج سرمایه از کشور روندی نگران کننده و زیان بار را نشان می دهد. فقط در امارات متحده عربی، مطابق بر آورد کارشناسان در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی، اموال و سرمایه های متعلق به ایران به رقم ۳۲۶ میلیارد دلار خواهد رسید. جالب اینجاست، دولت احمدی نژاد برای حل این مشکل دستور و رهنمود خرید سهام توسط صندوق قرض الحسنه و موسسات خیریه و بنیادهای انگلی را اعلام داشته است. پرویز داودی معاون اول رییس جمهور در دیدار با مسئولان بنیادهای خیریه، هیات های مذهبی وابسته به طیف ارتجاع و صندوق های قرض الحسنه، خواستار حضور پررنگ آنها در خرید سهام در بورس تهران شد. این امر به معنی غارت باز هم بیشتر ثروت عمومی کشور و گسترش فساد مالی است. به این ترتیب، می توان تاکید کرد، با عملکرد دولت ارتجاع اقتصاد کشور به سمت تشدید بحران و افزایش فقر و محرومیت می رود و این روند فقط و فقط به سود تجار بزرگ و دلالان عمده است. اقتصاد ملی با چنین عملکردی از هم فرو پاشیده و در نتیجه توانایی کشور خسارات و زیان های جبران ناپذیری را متحمل خواهد شد.

ادامه بررسی هجدهمین اجلاس...

تقسیم دریای خزر و ثروت های نفتی را به رئیس جمهوری آذربایجان انتقال داد. اهمیت این پیام در آن است که برخی خبرگزاری های بین المللی (از جمله رویتر و خبرگزاری های کویت و چین) از تضعیف موقعیت ایران در مذاکرات مربوط به تعیین نظام حقوقی خزر خبر داده بودند. علت این وضعیت، درگیری ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی و فشارهای وارده به آن از ناحیه آمریکا و اتحادیه اروپا ذکر شده است.

نکته قابل توجه دیگر آنکه همزمان با اعلام این گزارش ها و بازتاب وسیع آن در رسانه های بین المللی، دولت روسیه نیز بر تحرک خود در منطقه به نحو چشمگیری افزوده است. سفر دو مقام عالی رتبه دولت روسیه سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه، و سرگئی ایوانوف، وزیر دفاع روسیه، به ترکمنستان و مذاکرات فشرده و مهم با مسئولان این کشور در جهت نزدیکتر شدن مواضع عشق آباد و مسکو در قبال نظام حقوقی دریای خزر ارزیابی می شود. در این دیدارها مقامات ترکمنستان به شکلی آشکار در مواضع خود به سود روسیه نرمش و انعطاف نشان دادند.

ترکمنستان تنها کشوری از ۵ کشور ساحلی است که تاکنون از توافق دو جانبه و چند جانبه با دیگر کشورهای ساحلی و خصوصاً روسیه امتناع کرده و این امر سبب تقویت موضع به حق و قانونی ایران بوده است. در حال حاضر زیر فشار روسیه کشورهای قزاقستان و جمهوری آذربایجان از دو سال پیش به همراه روسیه به توافقی در باره تقسیم بخش شمالی دریای خزر و ترسیم مرزهای بین المللی خود بر اساس طول سواحل هر کشور و تقسیم ثروت های نفتی و منابع غنی نفت و گاز واقع در مناطق مرزی مشترک دست یافته اند.

ایران همچنان به موضع خود مبنی بر درخواست برای تقسیم دریای خزر به پنج بخش مساوی بین پنج کشور ساحلی که از نقطه نظر روابط و حقوق بین المللی کاملاً بر حق و قانونی است پایبند بوده و بر آن پافشاری می کند. اما اگر ترکمنستان از مواضع پیشین خود کوتاه آمده و به توافقات دو جانبه و چند جانبه وادار گردد، ایران در وضعیتی دشوار قرار می گیرد.

بدیهی است که چنین مذاکرات دشوار در چنین شرایط حساس بین المللی نیازمند یک سیاست خارجی فعال و حساب شده است ولی دیپلماسی ضعیف و ضد ملی دولت احمدی نژاد که توسط افرادی نظیر لاریجانی و منوچهر متکی هدایت می شود و در حالی که اقدامات تنش زا و بحران آفرین و ضد ملی دولت ارتجاع در مساله پرونده هسته ای ایران، منافع ملی کشور را به چالش گرفته، تحرک و قدرت مانور ایران در مسایل منطقه ای، و به ویژه در منطقه استراتژیک حوزه

دریای خزر و آسیای میانه به نحوی بارز کاهش و با مانع جدی روبرو کرده است. روسیه به عنوان یک کشور همسایه و رقیب اصلی ایران در حوزه خزر از این فرصت طلایی به سود منافع خود بهره برداری می کند. کشاندن ترکمنستان به امضاء توافق دو جانبه با روسیه در رابطه با نظام حقوقی خزر و پیشنهاد های دیگری از این دست، کاملاً به زیان منافع ملی ایران بوده و موقعیت کشور را به شدت در حوزه دریای خزر تضعیف می سازد و این برای امنیت ملی و منافع استراتژیک ایران در منطقه خطر جدی محسوب می شود. تحرک و تلاش پیگیرانه روسیه به خوبی در هجدهمین اجلاس در کنار بی تحرکی و انفعال ایران قابل مشاهده بود. در این اجلاس بنابه گفته یکی از اعضای هیات نمایندگی جمهوری اسلامی، پنج کشور ساحلی در زمینه زیر ساخت های نظام حقوقی این دریا به توافق کامل رسیدند و پیش بینی می شود با برگزاری چند نشست دیگر نتایج نهایی کنوانسیون تکمیلی نظام حقوقی دریای خزر به نشست سران کشورهای ساحلی این دریا ارایه شود. بنابه گفته همین کارشناس عضو هیات نمایندگی رژیم که سخنان او را پایگاه خبری آفتاب به تاریخ ۱۷ مهر ماه منتشر ساخته: «در نشست نوزدهم که قرار است در قزاقستان برگزار شود، مساله تقسیم بندی بستر و زیر بستر دریای خزر بررسی خواهد شد، تصور می کنم اختلافات جزئی با بعضی از کشورها در مورد سهم ۲۰ درصدی ایران در آینده نزدیک قابل حل خواهد بود، ما در نشست باکو در باره زیر ساخت های رژیم حقوقی این دریا از جمله مسایل کشتی رانی، ماهیگیری، حاکمیت و استخراج منابع بستر و زیر بستر به توافقات اصولی دست یافته ایم.» نا گفته پیداست با وضعیتی که دولت احمدی نژاد در عرصه روابط بین المللی پدید آورده، امکان اینکه رژیم در جریان تعیین رژیم حقوقی خزر منافع ملی ایران را بر باد دهد بطور جدی و به طرز نگران کننده وجود دارد. پرسش اینجاست، با توجه به سخنان سرگئی لاوروف در دیدار با صفر مرادنیاز رییس جمهوری ترکمنستان مبنی بر اینکه: «همزمان با همکاری در زمینه مسایل مربوط به خزر، دست یابی به توافق های فرعی و جنبی ضرورت دارد» ایران در آن صورت چگونه از مواضع خود که بر حق نیز هست دفاع خواهد کرد؟! پرسش مهم تر اینست، اصولاً با کدام رویکرد و سیاستی در عرصه بین المللی می توان در اوضاع پر خطر جهانی و منطقه ای، منافع ملی را تامین کرد؟! بی شک با حضور دولت ارتجاع و دیپلماسی ضد ملی آن باید در انتظار وقایع ناگوار بسیاری در خصوص منافع و حقوق ایران در حوزه دریای خزر بود!

انقلاب اکتبر و تأثیرات ژرف آن در تاریخ و زندگی بشریت



«کمون
پاریس»
نوشته:
«امروز ۲۱
سال است
که خلق
پاریس
پرچم
سرخ
خود را
در مقابل
پرچم سه
رنگ در

ورسای (مقر حکومت بورژوازی فرانسه) و نیز پرچم سه رنگ آلمان که در جبهه های اشغالی برافراشته بود، به اهتزاز در آورد. آنچه که سبب عظمت تاریخی کمون می باشد آن مبارزه طلبی جسورانه ایست که بر روی احساسات شوینیستی بورژوازی پرتاب شد. طبقه کارگر کشورها در این باره اشتباه نکردند. بگذار بورژواها ۱۴ ژوئیه و یا ۲۲ سپتامبرشان را جشن بگیرند ولی جشن طبقه کارگر همه جا و همیشه ۱۸ مارس خواهد بود. «خواننده توجه دارد که انگلس این سخنان را سال ها قبل از قتل عام کارگران شیکاگو در روز اول ماه مه گفته است. سی و چهار سال بعد در سال ۱۹۰۵ پیش تمرین انقلاب اکتبر صورت گرفت و با انقلاب فوریه ۱۹۱۷ راه پرولتاریا روسیه برای انقلاب سوسیالیستی اکتبر گشوده شد.

انقلاب اکتبر در چه شرایطی چشم به جهان گشود؟

مبارزات کارگران جهان در نیمه دوم قرن نوزدهم دیگر سازمان یافتگی مشخصی یافته بود و توسط احزاب کارگری و کمونیستی رهبری می شد. در این سال ها بین الملل کمونیستی وظیفه متشکل کردن و رهبری جنبش های کارگران را در تمامی کشورهای سرمایه داری به عهده داشت. از سوی دیگر تضاد های سرمایه داری با آغاز پیدایش سرمایه داری انحصاری-امپریالیستی-نطفه حوادث دردناک و شومی را در زهدان خود می پروراند. در اوایل قرن بیستم دیگر آنچه که می بایست روی می داد، یعنی جنگ-چهره نمود. حوادث پیاپی رشد می کردند و می گذشتند و همپای آن در عرصه ایدئولوژیک نیز دگرگونی هایی رخ می داد. احزاب سوسیال دموکرات بین الملل دوم به تدریج راه ارتداد را در پیش گرفته بودند و بیماری اپورتونیزم و سازشکاری رشد می کرد. رهبران این احزاب که قبل از جنگ شعار های ضدجنگ سر می دادند، بلافاصله پس از شروع جنگ صورتک ها را از چهره بر گرفتند و شعار «دفاع از میهن» (یعنی میهن بورژوازی) را برگزیدند و همراه با نمایندگان بورژوازی به بودجه های جنگی کشور «خودی» رای دادند. در این دوران و در آن سیاه روزهای ناشی از جنگ، دوران افول جنبش های انقلابی، بر اثر خیانت رهبران بین الملل دوم، پرولتاریای روس زیر پرچم حزب بلشویک ها به رهبری انقلابی، تئوریسین و آموزگار بزرگ پرولتاریا، لنین درفش پرافتخار کمون پاریس را بار دیگر به اهتزاز درآورد و بر قله جهان نشاند. روز ۲۵ اکتبر سال ۱۹۱۷ (۷ نوامبر بر طبق تقویم جدید میلادی) ناقوس انقلاب در فضا طنین افکن شد و بزودی آوای آن سراسر جهان را برانباش.

در باره انقلاب کبیر تاکنون بسیار گفته شده و نا گفته ها نیز کم نیست. انقلاب اکتبر جهان را به لرزه در آورد و چنان دگرگونی های ژرف و عظیمی را، نه تنها در کشور پهناور روسیه بلکه در تمام جهان، و نه فقط برای برهه ای از زمانی محدود، بلکه برای مدت ها، در تمام زمینه های مختلف زندگی بشریال بدنیا داشت که به حق می توان گفت که از لحاظ عمق و دامنه یکی از بزرگترین وقایع تاریخ بوده است. اکتبر چنان دگرگونی هایی را در جهان در پی داشت که حتی با فروپاشی شوروی و بازگشت سرمایه داری در روسیه هم آثار و پی آمد های آن زدودنی نیست. هریک از دگرگونی های بر آمده از انقلاب اکتبر خود مستلزم پژوهش های حقیقت جوینانه بسیار است.

در تاریخ بشری شورش ها، قیام ها و انقلاب های پرشماری، در تمامی دوره ها و در تمامی سرزمین ها روی داده که به یک بیان می توان همه آن ها در قالب خیزش فرودستان استثمارشده بر ضد فرادستان استثمارگر و خیزش ستمدیدگان بر ضد ستمگران توصیف کرد. با آنکه هریک از این ها، حتی اگر ناموفق هم بوده باشد، اثر خود را باقی می گذارد. اما تأثیر و دامنه آنها هم از لحاظ زمانی و هم به لحاظ مکانی محدود بوده اند. اما انقلاب اکتبر نه تنها در زمان خود، و در هفتاد سال زیستمندی خویش، جهان تمام رویدادها را تحت تأثیر قرار داد، بلکه دگرگونی های پرشمار و ژرفی را در پی داشت که آثار و عوارض آن در حال حاضر و در آینده نیز کم یا بیش اثربخش باقی خواهد ماند. همه تبلیغات وسیعی که بطور مداوم و بدون وقفه و با قدرت تمام بر ضد شوروی سابق به عمل می آید نه تنها برای جلوگیری از تکرار رویدادی تاریخی دیگر همچون است بلکه در عین حال برای از بین بردن اثرات به جا مانده از آن نیز هست. به عنوان نمونه یکی از رویداد هایی که پیروزی دولت انقلاب در جنگ ضدفاشیستی آنرا تسهیل و تسریع کرد، نابودی سیستم ننگین استعماری بود. (هرچند سرمایه داری پس از آن کوشید که سیستم نو استعماری را جانشین آن سازد ولی مبارزه کشورهای از بند رسته برای رهائی قطعی از تسلط سرمایه داری- حتی پس از فروپاشی اتحاد شوروی- نه تنها کاهش نیافته و نابود نشد بلکه پس از دوران سکون کوتاهی دوباره در حال گسترش و ژرفش مداوم است.

ریشه های انقلاب اکتبر در تاریخ معاصر

انقلاب اکتبر یک حادثه بی ریشه در تاریخ نبود. حادثه ای نبود که در یک کشور و صرفاً بر اثر عوامل و شرایط مختص آن کشور روی داده باشد. انقلاب اکتبر سنتز برجسته مبارزه اعصاب برای ایجاد یک جامعه عاری از ستم طبقاتی بود. از این نظرگاه ریشه انقلاب اکتبر را باید در شورش ها و عصیان های خود بخودی خشمگینانه و بی هدف کارگران در ستمکده های بی رحم سرمایه داری، جستجو کرد که در چنین بسترهایی رشد یافته و هدفمند شد. در کنار و همراه و همزمان با تلاش های کارگران، اینجا و آنجا اندیشمندان بشردوست به بررسی و کاوش در باره شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی پرداختند و نظریات گوناگونی ارائه دادند تا سرانجام مارکس و انگلس توانستند نه تنها از مطالعات ژرف و دقیق و علمی بلکه در رابطه تنگاتنگ با جنبش کارگری و پراتیک انقلابی تئوری های انقلاب را تدوین کنند. از آن پس جنبش کارگری در سراسر جهان به سلاحی نیرومند مجهز شد و این تئوری ها همراه با گسترش جنبش و بر اساس تجارب بدست آمده و تغییر دائمی شرایط غنی تر شد.

در همان سال هایی که مارکس و همزمش انگلس جنبش جهانی کارگری را رهبری و تئوری انقلاب را تدوین می کردند، نخستین تهرین پرولتاریا برای ایجاد حکومت ویژه خود با قیام کارگران پاریس، در ۱۸ مارس ۱۸۷۱، آغاز شد و حکومتی کاملاً نوین، هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوی هستی یافت. چه تدارک قیام و چه حوادثی که منجر به قیام شد و چه حکومت کوتاه مدت صد روزه کارگران درس های ارزشمندی برای پرولتاریای جهان بود. انگلس در سالروز برپائی

ادامه انقلاب اکتبر و تأثیرات ژرف آن ...

آغاز پیکاری تاریخی در مقیاس جهانی

با انقلاب اکتبر جهان سرمایه داری به لرزه افتاد. انقلاب هوشمندانه راه خود را از میان دشوارترین و پرمخاطره ترین شرایط گشود و به پیش رفت. تمامی دنیای کهنه از هر قماش، با شرم طبقاتی خود خطر را به خوبی دریافت. توطئه گران بلافاصله دست به کار شدند. با حمایت همه جانبه و سراسیمه وار و بی دریغ از ضدانقلابیون رنگارنگ شروع کردند و چهار سال زحمتکشان مصیبت دیده را باز هم در آتش و خون غرق کردند. و پس از شکست جنگ داخلی، این بار ۱۴ کشور ارتجاعی جهان از همه سو به کودک بالنده انقلاب هجوم آوردند و بازهم شکست خوردند. در این گیر و دارها ارتش کارگران و دهقانان، ارتش پرافتخار سرخ، ارتش انقلاب پدید آمد و آبدیده شد. ارتشی که گویا مقدر بود که بیست سال بعد ارتش نیرومند و تجاوزکار فاشیسم را درهم بشکند و جهان را از قید بردگی فاشیستی نجات دهد. پس از شکست مداخله آشکار، دشمنان بازهم بیکار نشستند و بزودی همه جانبه و با بکارگیری تمامی وسائل و امکانات دولت تازه پای شوروی را به محاصره در آوردند. برای جلوگیری از نفوذ و رسوخ اندیشه های سوسیالیستی و انقلابی بدور آن «پرده آهنین» کشیدند و بی شرمانه جمهوری نوپایه را به برپائی پرده آهنین متهم ساختند. در حالی که همه می دانستند که شوروی نه به پرده آهنین بلکه به فضائی باز- و کاملاً- باز نیاز داشت تا زحمتکشان جهان ناظر باشند که در کشور شوراها چه می گذرد و چگونه کارگران و دهقانان و روشنفکران خلقی صاحب اختیار کشور و سرنوشت خویش هستند.

بشردوستان دروغین حاکم بر جهان سرمایه داری شوروی را که پس از هفت سال جنگ امپریالیستی و جنگ منهدم ساز داخلی در مرز نابودی بود به محاصره اقتصادی در آوردند تا زحمتکشان را از گرسنگی بکشند و انقلاب را از میان بردارند. علاوه بر آن در تمام جهان یک جنگ ایدئولوژیک مبتنی بر دروغ و ریا و اتهام به راه انداختند. انقلاب سوسیالیستی مجارستان را سرکوب کردند، به هیتلر کمک کردند تا در آلمان قدرت را به دست گیرد، به فرانکو یاری رساندند تا یک حکومت فاشیستی را در اسپانیا مستقر سازد و همه تلاش ها را بکار بستند تا آلمان هیتلری را بسوی شرق و سرانجام شوروی بکشاند و در راستای این نقشه قرارداد ننگین مونیخ را با هیتلر امضاء کردند و چکسلواکی را به او بخشیدند و شادمانه ولی بی شرمانه ادعا کردند که صلح را نجات دادند! واضح بود که صلح نجات نیافت و جنگ شروع شد.

در حالی که کشورهای سرمایه داری اروپا یکی پس از دیگری سقوط می کردند و فرانسه و انگلستان، دو کشور بزرگ سرمایه داری که قرارداد مونیخ را امضاء کردند، مقاومتی از خود نشان ندادند و حتی بخشی از بورژوازی فرانسه در شکل و شمایل حکومت «ویشی» راه همکاری با هیتلر را در پیش گرفت. این ارتش انقلابی شوروی بود که در استالین گراد زهر نخستین شکست جانانه را در کام هیتلر فرو ریخت و پس از آن طی نبردهای قهرمانانه، راه پیمائی پیروزمند و افتخار آمیز و تاریخی خود را تا کنام فاشیسم ادامه داد و با نثار کردن بیش از بیست میلیون کشته و تلفات بی حد و حساب مالی و به قیمت ویرانی بیش از نیمی از کشور، بشریت را از بردگی و خطر فاشیسم نجات داد. پیروزی در جنگ بر ضد فاشیسم سیمای جهان را به کلی دگرگون ساخت. جنبش های کارگری گسترش یافت و خیزش های آزادی بخش در مستعمرات با قدرت پدیدار شد. در دهه های پس از آن و تحت تأثیر مستقیم قدرت کشورشوراها سیستم استعماری فروریخت و در پاره ای از نقاط جهان دولت های سوسیالیستی به قدرت رسیدند. چین از چنگال چیانکای چک نجات یافت و خلق ویتنام پس از سه دهه مبارزه آزادی بخش بر ضد امپریالیست های آمریکائی و فرانسوی آزادی و استقلال خود

را بازیافت.

جنگ سرد و پی آمدهای آن

سرمایه داری جهانی در طول هفتاد سال موجودیت اتحاد شوروی حتی لحظه ای از تلاش و توطئه برای نابودی آن و شکست انقلاب اکتبر کوتاهی نکرد. پس از جنگ، سرمایه داری جهانی استراتژی تازه ای را در قالب سیاست های همه جانبه ای که تحت عنوان «جنگ سرد» هویت یافت، پی ریزی کرد و با قدرت و شدت آن را برای بیش از چهار دهه ادامه داد. جالب است توجه کنیم که نقطه جنگ سرد در بحبوحه نبرد ضد فاشیستی بسته می شد و بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی در حقیقت اختطاری بود برای آغاز رسمی آن. تجاوز ارتش انگلیس به یونان برای سرکوب پارتیزان های ترقی خواه که نود درصد خاک کشور را در کنترل داشتند، در حقیقت به جنگ سرد رسمیت داد و تجاوز آمریکا به کره شمالی آنرا تسجیل کرد.

محور های اساسی جنگ سرد را باید مسابقه تسلیحاتی، مبارزه ایدئولوژیک و تبدیل همه جهان و همه عرصه های زندگی بشری به صحنه جنگ دانست. ارتجاع جهانی در طول بیش از هفت دهه حیات سوسیالیسم، در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای اروپای شرقی، از تمامی وسایل و شیوه ها، برای مسدود کردن حرکت تاریخی بی که از انقلاب اکتبر آغاز شده بود، بهره جست. به طوریکه می توان گفت فروپاشی سوسیالیسم در حقیقت عقب گرد در یک نبرد بزرگ بی سابقه با دشمنانی بود که از هیچ چیزی برای رسیدن به مقصود خود فروگذار نکردند. سرمایه داری جهانی سعی می کند که فروپاشی تجربه ساختمان جامعه نوین در اتحاد شوروی را ذاتی سوسیالیسم جلوه دهد و علمی بودن و قانونمندی تئوری های مارکسیستی را زیر علامت سئوال ببرد و انکار کند اما کیست که نداند که هر تئوری علمی (حتی تئوری های مربوط به طبیعت که با موجودات بی جان سر و کار دارد) از تدوین تا متحقق شدن باید راهی طولانی و گاه دردناک را طی کند. تئوری هائی که مربوط به جامعه انسانی است به علت وجود عوامل متغیر گوناگون همچون آداب و رسوم، عادت ها، موقعیت جغرافیایی، تاریخ و فرهنگ بسیار دشوارتر و پیچیده تر هستند. انقلاب اکتبر می بایست در یک جامعه طبقاتی با سابقه چندین هزارساله و انسان هائی که میراث فکری و اخلاقی زندگی در جامعه طبقاتی را نسل پس از نسل به ارث برده بود، و در محاصره یک سیستم اقتصادی- اجتماعی متخاصم که لحظه ای آتش مبارزه همه جانبه را متوقف نکرد، برای نخستین بار یک جامعه عاری از طبقات استثمارگر را بنا کند. طی چنین راه پیموده نشده و دشواری طبیعتاً نمی توانست با اشتباه همراه نباشد. اشتباهاتی که در باره آن بسیار قلم زده شده و جنبه های گوناگون، چه عینی و چه ذهنی، چه داخلی و چه خارجی آن، توسط کمونیست های جهان مورد بررسی قرار گرفته است. اما آنچه در یک جمع بندی خلاصه انقلاب اکتبر می توان گفت اینک: اگر انقلاب های گذشته در جوامع بشری منجر به جابجایی طبقات استثمارگر می شد و استثمار شوندگان به نحوی دیگر و از سوی طبقه و یا طبقاتی دیگر مورد استثمار قرار می گرفتند، انقلاب اکتبر برای نخستین بار در تاریخ بشری برای محو کامل استثمار و وظیفه مند بود و توانست در این راه گام های بسیار موثری بردارد و خلق های روسیه و دیگر خلق های زیر سلطه را آزاد سازد. جامعه عقب مانده و نیمه فئودالی (سرواژ) و نیمه سرمایه داری را در مدتی کوتاه به یک جامعه شکوفا و توانمند مبدل کند. بیکاری و فقر را از بین ببرد. خدمات اجتماعی مثل آموزش و پرورش و بهداشت را کاملاً رایگان کند و جامعه رفاه عمومی را پایه ریزی کند. علم و فرهنگ را در سطحی بی سابقه رشد دهد و آموزش عمومی و سطح دانش عمومی را ارتقاء کیفی دهد. در صحنه جهانی تأثیر انقلاب اکتبر و محصول آن اتحاد شوروی فراموش نشدنی و نازدودنی است. امروز پس از گذشت فقط ۱۵ سال از فروپاشی شوروی، زحمتکشان جهان مجدداً گردان های رزمنده خود را دگر باره سازمان دهی می کنند، متحد می شوند و جنبش های سراسری جهانی را گسترش می دهند و با شعار «دنیایی دیگر، سوسیالیسم، ممکن است» خود را برای تمرین های بعدی، تا تمرین نهائی، آماده می سازند. جهان به عقب بر نمی گردد. گفتار انگلس در باره کمون پاریس را می توان در باره انقلاب اکتبر تکرار کرد. سالگرد انقلاب اکتبر گرامی باد.

ارتجاع همچنان بر طبل بحران آفرینی می کوبد

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن محکوم کردن اظهارات شدیداً غیر مسئولانه محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری رژیم ولایت فقیه، درباره «محو اسرائیل از نقشه جهان»، اعلام کرد که این موضع گیری میهن ما را بار دیگر با بحران سیاسی جدیدی روبرو کرده است. کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، در پی این سخنان رسماً اعلام داشت که: «اظهارات احمدی نژاد نشان می دهد چرا ما تلاش می کنیم مانع از دستیابی ایران به تکنولوژی هسته ای شویم.» به علاوه سخنگوی کاخ سفید نیز باتاکید بر سخنان احمدی نژاد به خبرنگاران خاطر نشان کرد: «سخنان رییس جمهوری ایران نگرانی های واشنگتن را نسبت به حکومت ایران و بلند پروازی های هسته ای این کشور تایید می کند. اگر به این سخنان نظر بیفکنید و آن را با اظهارات وی در سازمان ملل ترکیب کنید، فکر می کنیم، مجدداً تاییدی است بر آنچه که ما در باره این رژیم در ایران می گفتیم.»

برخورد تقریباً یکپارچه کشورهای عضو شورای امنیت به این سخنان مغایر با روابط بین المللی متعارف و نیز متضاد با منافع ملی ایران، نگرانی در خصوص سرنوشت میهن را برای هر نیرو و جریان میهن دوست و آزادی خواهی بر می انگیزد. چنین سخنانی در اوضاع کنونی در درجه نخست این پرسش را مطرح می سازد که چرا احمدی نژاد در شرایطی که کشور به علت مسأله پرونده هسته ای خود وارد مرحله ای فوق العاده دشوار گردیده، این مواضع را اعلام می کند؟! بدون تردید، این موضع گیری، یک اشتباه لفظی و یا اقدامی نسنجیده از سوی یک فرد نیست و نمی تواند باشد. در همین رابطه، به گزارش ایسنا، علی آقا محمدی، مشاور دبیر شورای عالی امنیت ملی تاکید کرد: «حرف آخر را در سیاست خارجی مقام معظم رهبری می گویند.» اگر به شرایط داخلی و خارجی و مجموعه تحولات در عرصه های مختلف توجه کنیم در می یابیم که موضع گیری رییس جمهوری رژیم ارتجاع، با هدف معین و در چارچوبی مشخص طرح و اعلام می شود. به دنبال احمدی نژاد، از ای، وزیر اطلاعات رژیم نیز به دفاع از این مواضع پرداخت و تاکید کرد: «این واکنش (محکوم کردن سخنان احمدی نژاد) از موضع قدرت نیست و از موضع ضعف می کنند و مواضع خودشان را متزلزل می بینند این برخورد را می کنند... گام بعدی برای حمایت از فلسطین باید هم جنبه مالی و هم جنبه های دیگر را شامل شود.» (به نقل از پایگاه خبری آفتاب ۶ آبان ماه) و همچنین فرمانده سپاه پاسداران، رحیم صفوی در این مورد یاد آور شد: «آمریکا و اسرائیل می خواهند با جنگ روانی علیه ملت ما، شکست شان در غزه و عراق را جبران کنند، حرف های احمدی نژاد، حرف ملت بود.» به این ترتیب کاملاً مشخص است که این موضع گیری با هدف از بیش تعیین شده ای عنوان گردیده و بر روی آن محاسبات سیاسی لازم از سوی واپس گرایان انجام یافته است. برای درک بهتر این موضع گیری باید رشته حوادث مهم در داخل و خارج بویژه تحولات منطقه ای را مد نظر قرار داد و در چارچوب آن به ارزیابی موضع گیری ضد ملی ارتجاع پرداخت.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما در این زمینه به روشنی تأکید می کند که: «به گمان ما با توجه به مشکلات عظیمی که دولت جدید پیش رو دارد و با علم به اینکه قادر نیست قول های انتخاباتی خود را در زمینه بهبود وضعیت توده های انبوه محرومان و زحمتکشان تحقق ببخشد و در عین حال برای زمینه سازی تشدید جو سرکوب و خفقان بر ضد دگراندیشان و نیروهای اصلاح طلب سیاست های ماجراجویانه کنونی را برای منحرف کردن افکار عمومی و همچنین تحت فشار قرار دادن نیروهای مخالف اتخاذ کرده است.»

به موازات این اقدامات، چند تن از سفیران جمهوری اسلامی که نقش اساسی در توسعه روابط خارجی رژیم بر عهده داشتند و در مذاکرات امنی همراه تیم قبلی مذاکره کننده در زمان دولت خاتمی نقش اساسی ایفا می کردند، به تهران فرا خوانده شدند که این فراخوانی به منزله عزل آنها از سمت هایشان می باشد. در این گیرودار، خبرگزاری ایسنا خبر داد، طرح جامع نظام جدید آموزش سپاه پاسداران تدوین و به مرحله اجرا در می آید، رحیم صفوی در این باره اعلام داشت: «سپاه متناسب با تهدیدات جدید، تغییرات لازم را در ساختار و تدوین دکترین و استراتژی خود آغاز کرده و در این راستا طرح جامع نظام جدید آموزش عالی سپاه را اجرا می کند، حفاظت از انقلاب اسلامی دفاع همه جانبه از نظام در مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی در قالب نظام جدید آموزش عالی تدوین شده است.» اکنون با توجه به مشکلات بی شماری که دولت ارتجاع با آن روبرو است و قول های انتخاباتی آن را در افکار عمومی به چالش می طلبد، ارتجاع خواهد کوشید با جو سازی و تنش آفرینی به تحکیم موقعیت خود پردازد و با مانورهای فریبکارانه، از زیر بار مسئولیت های خود شانه خالی کند و در عین حال وضعیت را برای تشدید خفقان و فشار در داخل کشور فراهم سازد.

به فاصله چند روز پس از سخنان تحریک آمیز و تنش زای رییس دولت ارتجاع، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هفتم طرح الزام دولت به تعلیق اقدامات داوطلبانه در صورت ارجاع و یا گزارش پرونده هسته ای به شورای امنیت را تدوین و آماده تصویب کرد. بدون تردید با نزدیکتر شدن زمان برگزاری نشست شورای حکام، ارتجاع به اقداماتی از این دست ابعاد گسترده تری خواهد داد که نمونه آن تشکیل همایش ملی شدن انرژی هسته ای رجعت تاریخی به ملی شده صنعت نفت است که چندی پیش در دانشگاه صنعتی امیر کبیر بر پا شد و طی آن علی لاریجانی در خصوص پرونده هسته ای ایران گفت: «اگر غربی ها می خواهند پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع بکنند ما مشکلی نداریم، خوب نفت می شود ۱۵۰ دلار و این خوش شانسی دولت احمدی نژاد است.» آنچه به آن اشاره رفت، گویای این واقعیت است که ارتجاع برای برون رفت از مشکلات و تشدید اختناق در داخل به جو سازی بحران آفرینی و ماجراجویی خطرناک دست می زند. فقط با بسیج و سازماندهی جنبش مردمی و در یک اتحاد گسترده می توان نقشه ها و برنامه های واپس گرایان را خنثی و مقاصد شوم بیگانگان و امپریالیسم را مهار و از آن جلو گیری کرد!

ادامه بیانیه کمیته مرکزی حزب

است که در اوضاع احوال کنونی جهان، در صورت ادامه حرکات غیرمسئولانه سران رژیم و تکرار موضع گیری های پرخاش گرانه روزهای اخیر مقامات رسمی رژیم «ولایت فقیه» و همچنین عدم انعطاف در رابطه با مذاکرات سازنده با سازمان ملل متحد و ارگان های وابسته به آن، احتمال اتخاذ مصوبه هایی مبنی بر تحریم کامل و کشاندن پرونده ایران به شورای امنیت جدی است.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن و مخالفت اصولی با مواضع ارتجاعیون حاکم، لازم می داند که در عین حال مخالفت جدی خود را با سیاست های دولت های ایالات متحده، انگلستان و دیگر کشورها که می کوشند از شرایط حاضر برای به پیش بردن سیاست های استعمارگرانه خود در منطقه خاورمیانه و در رابطه با ایران بهره گیری کنند، اعلام کند. ما هرگونه ماجراجویی نظامی در منطقه و در رابطه با میهن مان را به هر بهانه ای محکوم کرده و نسبت به عواقب فاجعه بار آن برای مردم منطقه و صلح جهانی اعلام خطر می کنیم. ما تنها راه تضمین امنیت کشور و استقلال آن را در شرایط کنونی جهان احترام به منشور ها و قطعنامه های سازمان ملل و ارگان های وابسته به آن، نظیر سازمان انرژی اتمی، سازمان بین المللی کار و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می دانیم.

ما بار دیگر همه نیروهای مردمی، دموکرات و آزادی خواه میهن را فرا می خوانیم که با درک حساسیت شرایط کشور در راه ایجاد یک جبهه وسیع ضددیکتاتوری تلاش های خود را تشدید کنند. ما معتقدیم که تنها با مبارزه مشترک و متحد همه آزادی خواهان و نیروهای دموکرات کشور است که می توان نقشه های ارتجاع حاکم و طرح های شوم بیگانگان برای نقض استقلال میهن را خنثی کرد و راه را برای تحقق آینده ای آزاد، دموکراتیک و منکی بر عدالت اجتماعی گشود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۷ آبان ماه ۱۳۸۴

ادامه انفجار خشم...

اتحادیه کارفرمایان خواستار شد که میزان و مدت پرداخت کمک های ویژه بیکاری باید کاهش یابد!

حزب کمونیست فرانسه، در بیانیه خود در روز ۱۳ آبان ماه، نیکولا سارکوزی، وزیر کشور، را به دلیل موضع گیری های غیر مسئولانه و تحریک آمیز درباره «رخداد های بسیار جدی که در مناطق کارگر نشین چندین شهر فرانسه» صورت گرفته، مقصر دانست. بیانیه حزب برادر اشاره می کند که «اکثریت عظیم زنان، مردان و جوانانی که در این مناطق زندگی می کنند، و به ویژه آنهایی که با مشکلات بیشتری درگیر هستند، اولین قربانیان این رخدادها هستند». بیانیه در ادامه مسئولانه به تشریح شرایط اسفناک زندگی مهاجران و رنگین پوست های فرانسوی پرداخته و مشکلات عدیده نسل جوانی را که «تحقیر شده و مورد تبعیض قرار گرفته» مورد توجه قرار می دهد. حزب کمونیست فرانسه معتقد است: «امنیت اجتماعی نمی تواند در حالی که بخش قابل توجه و فزاینده ای از جمعیت در مشکلات و بدون هیچ راه حلی رها شده اند، تأمین گردد.»

بیانیه حزب برادر پس از تشریح وضعیت بغرنج ایجاد شده بدنبال نا آرامی ها اخیر متذکر می شود که: «ضرورت دارد که نظم اعاده شود اما این از طریق تشدید خشونت ممکن نیست.» و پیشنهاد می کند که: «۹ اقدام عاجل برای پایان دادن به این وضعیت خطرناک مورد توجه قرار گیرد.» از جمله اقدام های پیشنهادی که همه جنبه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اوضاع را در نظر دارند، به موارد زیر می توان اشاره کرد: «شروع یک گفت و گوی واقعی با مردم این مناطق، اختصاص منابع ضرور برای تأمین خدمات اجتماعی به مردم این مناطق، تأمین اشتغال و تعلیمات حرفه ای، توسعه منابع و راه های حفاظت از جوانان و اقدامات پیش گیرانه در رابطه با بزهکاری، آغاز یک برنامه همه جانبه برای خاتمه دادن به فقر، احترام به جوانان و آزادی های حقه آنان.»

شکست طرح بوش برای قاره آمریکا

اجلاس سران، در سخنانی، در برابر تظاهر کنندگان، از آنان خواست که او را یاری دهند تا طرح آمریکایی منطقه آزاد تجاری قاره آمریکا را ناکام کند. چاوز در سخنانش گفت «فقط با اتحاد است که می توانیم امپریالیسم را شکست دهیم و زندگی بهتری را برای مردم مان به ارمغان بیاوریم و در همین جا، در ماردل پلاتا، طرح منطقه آزاد تجاری آمریکا را دفن کنیم.» جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، پیش از ورود به جلسه گردهمایی و در راستای قبولاندن نظریه منطقه آزاد تجاری که اقتصاد نولیبرالی را از آلاسکا تا جنوبی ترین گوشه آمریکای جنوبی گسترش خواهد داد، با نستور کرچنر رئیس جمهوری آرژانتین و دیگر رهبران کشورهای حوزه آند و آمریکای مرکزی دیدار کرد. رهبران حاضر در این اجلاس دو روزه پیشاپیش توافق خود را برای تمرکز تلاش هایشان برای ایجاد کار و کاهش فقر اعلام کرده بودند. اما با آغاز نشست توجه بین المللی بیشتر متوجه منطقه آزاد تجاری پیشنهادی آمریکا بود. تکیه اصلی هوگو چاوز بر این بود که ایالات متحده می خواهد موافقت نامه تجارت آزاد را به کشورهای آمریکای لاتین تحمیل کند. به گفته او این معامله فقط به نفع ثروتمندان خواهد بود. در برابر این معامله، چاوز تمام تلاشش را برای پیشبرد یک موافقتنامه ضد تجارت آزاد به کار برد که بر اساس اصول سوسیالیستی عمل خواهد کرد.

بیانیه پایانی اجلاس شانل دونظریه کاملاً مخالف بود. یکی از سوی کشورهای که طرفدار ایجاد منطقه آزاد آمریکا هستند و دیگری از طرف پنج کشور مخالف که در متن بیانیه اعلام کردند: «شرایط برای ایجاد یک موافقتنامه متعادل و عادلانه تجارت آزاد در نیم کره جنوبی که تضمین گر دسترسی به بازار های عاری از یارانه ها و عملکرد های محدود کننده باشد، وجود ندارد.»

وزیر خارجه آرژانتین، رافائل بلسا، اظهار داشت: «ما حاضر به مذاکره در رابطه با امری که به منافع مردم مان ضرر می زند، نیستیم.» هوگو چاوز نتیجه اجلاس را یک پیروزی خواند و در رابطه با بحث های جدی، همه جانبه و با حرارتی که بین دو گروه کشورهای شرکت کننده در گرفته بود اظهار داشت: «حیف شد که آن ها تمامی ۵ ساعت بحث اجلاس را بخش نکردند تا همه مردم آن را ببینند.»

طرح حساب شده ایالات متحده برای کسب حمایت اجلاس کشورهای قاره آمریکا درباره موافقتنامه تجارت آزاد، در سراسر این قاره، با مخالفت پنج کشور آمریکای جنوبی به پرچم داری هوگو چاوز، رئیس جمهوری ونزوئلا، با شکست روبرو شد. اجلاس سران ۳۴ کشور های قاره آمریکا، که در روزهای ۱۳ تا ۱۵ آبانماه، در آرژانتین برگزار شد، به طرح ایالات متحده برای گسترش پیمان نفتا (بین آمریکا، کانادا و مکزیک) به سراسر این قاره رای منفی داد. در این اجلاس ۲۹ کشور به رهبری ایالات متحده و مکزیک، با جدیت و فعالانه، برای جلب موافقت در مورد زمان بندی شروع مذاکرات رسمی در باره طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری در سراسر قاره آمریکا کوشیدند. اما این طرح با مخالفت هزاران تظاهر کننده و همچنین هیئت های رسمی نمایندگی کشورهای برزیل، آرژانتین، اوروگوئه، پاراگوئه و ونزوئلا، که همگی اعضای تشکیل دهنده گروه تجاری «مرکوسور» (بازار مشترک جنوب) هستند، روبرو گردید. «وینسنت فاکس»، رئیس جمهوری مکزیک، که یکی از سرسخت ترین هواداران تجارت آزاد در منطقه است، مطرح کرد که اکثریت کشورهای نیم کره غربی موافق ادامه مذاکره درباره ایجاد یک منطقه آزاد تجاری بدون شرکت کشورهای مخالفی مثل ونزوئلا هستند.

چند ساعت پیش از آغاز اجلاس سران نیم کره غربی در چهارمین نشست دوره ای سران کشورهای قاره آمریکا، بیشتر از ده هزار تظاهر کننده معترض در حالی که شعار «بوش بیرون برو» می دادند، خیابان های شهر ساحلی «ماردل پلاتا» محل گردهمایی را پر کرده بودند.

پلیس های مجهز به سپرهای ضد شورش تدارک امنیتی شدیدی دیده بودند و کشتی های نیروهای دریایی در ساحل اقیانوس اطلس به گشت زنی مشغول بودند و چرخ بال ها پلیس نیز بر فراز محل برگزاری نشست گشت می زدند.

پیش از سپیده دم روز جمعه ۱۳ آبانماه، هزاران نفر در حول و حوش قطاری ازدحام کرده بودند که آخرین گروه تظاهر کنندگان را از بوئنوس آیرس می آورد. از جمله مسافران این قطار «خوان اوو مورالس»، نامزد رئیس جمهوری بولیوی، بود که امیدوار است در انتخابات آینده این کشور به پیروزی برسد، و دیگری «دیه گو ماردونا»، ستاره فوتبال آرژانتین، بود که بر روی پیراهنش نوشته یی که بوش را به جنایت های جنگی متهم می کرد، چاپ شده بود. تظاهر کنندگان در حالی که شعار می دادند «بوش فاشیست! تو تروریست هستی!» به بدنه لوکوموتیو آویزان می شدند و از دیواره و پنجره های قطار بالا می رفتند تا دست مسافران تازه از راه رسیده را بفشارند.

خوان گونزالس، یکی از رهبران سندیکایی آرژانتین که در میان تظاهر کنندگان بود، می گوید حرف ما این است: «نه به بوش!» و «نه به منطقه آزاد تجاری آمریکا». ما به هر پیشنهادی که بوش در اینجا مطرح کند هیچ اعتماد و اطمینانی نداریم. پیشنهادات او ثمری جز طولانی تر کردن گرسنگی، فقر و مرگ در آمریکای لاتین ندارد.»

هوگو چاوز، رئیس جمهوری ونزوئلا، پیش از حضور در

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

انفجار خشم محرومان فرانسه

در شرایطی که نا آرامی های اجتماعی، که از روز ۵ آبانماه و بدنبال مرگ فخیج دو نوجوان رنگین پوست فرانسوی، شهرک های مختلف حاشیه شهرهای بزرگ فرانسه را دربر گرفته است، دولت دست راستی فرانسه، در روز ۱۷ آبانماه، در این مناطق اعلام استقرار وضعیت فوق العاده کرد. این برای نخستین بار از زمان مبارزات آزادیبخش و استقلال طلبانه خلق الجزایر در سال های دهه ۵۰ و ۶۰ است که دولت فرانسه به چنین اقدامی دست می زند. نیکلا سارکوزی، وزیر کشور فرانسه، تهدید کرد که دولت در مقابله با آشوب های اخیر قاطعانه عمل خواهد کرد. دومینیک دو ویلپن، نخست وزیر دولت شیراک نیز، در روز ۱۶ آبانماه، در سخنانی هشدار داده بود که با «قانون شکنان» قاطعانه برخورد خواهد شد. گرچه این موج نا آرامی های دامنه دار بدنبال و به بهانه کشته شدن دو نوجوان در یکی از شهرک های حومه پاریس در جریان تعقیب پلیس اتفاق افتاد اما ترقی خواهان و منتقدان سیاست های دولت دست راستی به درستی مطرح می کنند که این حادثه ترازیک به هر دلیلی اتفاق افتاده باشد، آن را باید محصول و نتیجه عوامل بسیاری دانست که در طی سالیان رویهم انباشته شده اند.

در فرانسه مانند تمام کشورهای بزرگ سرمایه داری بر خلاف زرق و برق ظاهری، شکاف طبقاتی و ابعاد بی عدالتی ها و تبعیض های اجتماعی عمیق بوده و دائماً گسترش می یابند. در اکثر شهرها بسیاری از مردم در شهرک های حاشیه ای، در شرایط بسیار دشوار، زندگی می کنند. بسیاری از جمعیت این مناطق مهاجران مستعمرات پیشین فرانسه هستند که دهه ها قبل به دلایلی مختلفی و از جمله کار به فرانسه آمده اند. در این شهرک ها شرایط زندگی بسیار دشوار و همراه با تبعیض های غیر قابل تصور است. سطح بیکاری بالاتر از سطح آن در سراسر کشور بوده و امکانات بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و ورزشی بهیچ وجه نمایشگر زندگی در یک جامعه اروپایی پیشرفته نمی باشد. به عنوان مثال در یکی از این شهرک ها، با جمعیت ۳۲۰۰۰ نفر، هشتاد درصد خانه ها را ساختمان های نامناسب برای سکونت تشکیل می دهند که به آن ها اصلاً رسیدگی نمی شود و پاره ای از آن ها اساساً نیمه مخروبه هستند. در تابستان امسال در شهرک های حومه پاریس، این به اصطلاح «عروس شهرهای جهان»، دو ساختمان مسکونی محل اقامت مهاجران تهیدست آفریقایی به علت فقدان وسایل ایمنی و ویژه اطفاء حریق، دچار آتش سوزی شدند و تعداد زیادی از این زحمتکشان بیگناه در شعله های مهیب آتش سوختند. نرخ بیکاری در این مناطق ۲۶ درصد یعنی بیش از دو برابر نرخ متوسط آن در سطح کشور است، و میزان کمک هزینه های تامین اجتماعی (صندوق کمک های خانواده) در سطح زیر فقر است.

برخورد دولت های نو لیبرال سال های اخیر با ساکنان این شهرک ها برخوردی همچون با شهروندان درجه ۲ و یا درجه ۳ و توهین آمیز بوده است. رفتار خشونت آمیز پلیس که پاره ای اوقات در رسانه های گروهی منعکس می شود در نبود یک راه حل پایه یی برای پایان دادن به فقر و محرومیت شدید اهالی این مناطق تنها به دامن زدن به کینه و نفرت منجر شده و می شود. در بهمن ماه گذشته (فوریه ۲۰۰۵) بیانیه یی به امضاء ۹۳ تن از شخصیت های اجتماعی، هنری و فرهنگی و روشنفکران کشور در رسانه ها منتشر شد که در رابطه با عواقب اجتماعی - سیاسی - انسانی سیاست های حاکم در زمینه برخورد با مهاجران و حاشیه نشینان اعلام خطر کرده بود. حزب کمونیست فرانسه و اتحادیه های کارگری نیز از مدت ها قبل درگیر سازماندهی یک ائتلاف قدرتمند برای مبارزه با سیاست های نو لیبرالی دولت و از جمله خصوصی سازی ها، بیکاری وسیع و کاهش بودجه های خدمات اجتماعی در این مناطق بوده اند.

جک لانگ، عضو سوسیالیست پارلمان فرانسه، معتقد است که «دولت شیراک برای سه و نیم سال ارتباطات اجتماعی، انسانی و فرهنگی خود را با مردم این مناطق قطع کرده است».

او مطرح می کند که «سیاست های دولت مبنی بر کاهش بودجه های رفاهی برای مردم مناطق حاشیه نشین، در عمل این مناطق را به «گتو» (حلی آباد) تبدیل کرده است. ما در یک وضعیت انفجاری قرار داریم. از یک سو سرکوب و تحقیر و از سوی دیگر از دست دادن خدمات و از بین رفتن شخصیت انسانی و امید. این خشونت که می بینیم میوه تلخ سیاست دولت است».

این عضو پارلمان فرانسه اذعان می کند که «امروز فرانسه مانند دو کشور است: یک کشور ثروتمند و یک کشور فقیر که در کنار همدیگر و مخلوط با هم وجود دارن و این امر در حالی که ما از ارزش های آزادی، برابری و برادری صحبت می کنیم، قابل قبول نیست». جامعه شناس سرشناس فرانسه، میشل دیه ویورکا، با خشم می گوید: «جمهوری به وعده های خود در مورد آزادی، برابری و برادری جامه را عملی نکرده است».

برخورد دولت در طول روزهای اخیر تحقیر این مردم محروم، تهدید آن ها به سرکوب و بکار بردن خشونت باز هم بیشتر بوده است. دولت با گسیل نیروهای انتظامی ضد شورش و به پرواز در آوردن هلیکوپتر های نظامی سعی می کند که به این نا آرامی ها خصلت جنایتکارانه بدهد و در روزهای قبل از گسترش آن هیچگاه حاضر نشد که راه گفتگوهای سازنده را در پیش بگیرد و در صدد یافتن راه حل باشد. شیراک هم که برای روزها در این رابطه سکوت اختیار کرده بود، در روز ۱۵ آبانماه اعلام کرد که باید قانون را در این مناطق برقرار کرد. در پی فرمان رئیس جمهوری نخست وزیر استقرار قانون مقررات ویژه منع عبور و مرور را وضع کرد و به استانداران (که اکثراً از نیروهای راست هستند) این اختیار را داد تا هر طور که صلاح می دانند، آنرا اعمال کنند.

اما در مقابل مواضع اتخاذ شده از سوی حاکمیت سرمایه داری، ساکنان محله های عصبان زده، انجمن ها، احزاب چپ، سندیکا ها و شخصیت ها با برپایی راه پیمائی ها، همایش ها و سایر وسایل ممکن، ضمن اینکه خواهان برقراری آرامش شدند، به ویژه خواهان حل معضلات پایه یی شدند که زمینه ساز حوادث کنونی بوده است. بسیار آموزنده است توجه کنیم که درست در چنین شرایطی، و درست پس از برقراری مقررات منع رفت و آمد، رئیس

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

آرمان از جنوب ۵۰۰ دلار
به یاد رفیق شهید منوچهر بهزادی و یاران ۵۰۰ یورو
به مناسبت شصت و چهارمین سالگرد حزب از طرف رفقای انگلیس ۵۰۰ پوند

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 725
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8 November 2005

**شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما**

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک